

کنت والتز

فارین پالیسی - جولای /اگوست ۲۰۱۲

بحث‌ها درباره تغییر دکتربن

هسته‌ای ایران بیش از هر موقع

ترجمه:فاطمه مصلحی

دیگری گرم شده و در سایه

تنش‌های بی‌سابقه‌ایران با رژیم اسرائیل، حامیان هسته‌های شدن ایران بیش از قبل است. کنت والتز، رئالیست ساختاری جزو معدود نظر به‌پردازانی است که دیدگاه‌های او درباره اثرات ثبات بخش تسلیحات هسته‌ای در دهه ۱۹۸۰ بحث برانگیز شده است. والتز در مه ۲۰۱۲ در گذشت. ولی دیدگاه‌های او همچنان پراستادترین آثار در سیاست بین‌الملل است. مقاله قبل از مرگش منتشر شده، جزو پرمناقشه‌ترین مقالات اوست که در بالاترین سطوح سیاسی با بازخورد روبه‌رو شد. با گذشت ۱۱سال از انتشار این مقاله، فضای آن به‌خصوص در وضعیت استراتژیک کنونی، همچنان حائز چشم‌انداز قابل توجه است. «جوان» با هدف غنای بیشتر ادبیات استراتژیک، ترجمه مقاله والتز را مجدداً منتشر می‌کند. مشخص است «جوان» مطالب مقاله را تأیید یارد نمی‌کند.

■ ■ ■ ■

بحران مربوط به برنامه هسته‌ای ایران را می‌توان به سه روش مختلف پایان داد:اول، دیپلماسی همراه با تحریم‌های سنگین است که احتمال دارد ایران را متقاعد کند تا دستیابی به سلاح هسته‌ای را کنار بگذارد، اما نتیجه‌گیری از این روش بعید است. سوابق تاریخی نشان داده کشوری که می‌خواهد سلاح هسته‌ای داشته‌باشد، به ندرت از هدف خود منصرف می‌شود؛ ضمن اینکه مجازات یک کشور از طریق تحریم‌های اقتصادی به‌طور قطع برنامه هسته‌ای آن کشور را از بین نمی‌برد. در این مورد، کره‌شمالی را در نظر بگیرد که با وجود مجموعه‌های بی‌شمار تحریم و قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد، تسلیحات هسته‌ای خود را ساخت. در چنین شرایطی، اگر تهران تشخیص دهد که امنیتش به داشتن تسلیحات هسته‌ای بستگی دارد، بعید است که تحریم‌ها نظرش را تغییر دهد. در واقع افزون تحریم‌های بیشتر در شرایط کنونی، می‌تواند باعث شود که ایران حتی آسیب‌پذیرتر شود و دلیل بیشتری داشته‌باشد تا به دنبال حفاظت از عامل بازدارنده نهایی باشد.

دومین راهکار احتمالی این است که ایران از آزمایش سلاح هسته‌ای صرف‌نظر کند، اما ظرفیت ساخت و آزمایش آن را به سرعت توسعه دهد. در این صورت، ایران نخستین کشوری نیست که بدون ساخت بمب واقعی به برنامه هسته‌ای پیچیده خواهد یافت. به عنوان مثال، ژاپن رساخت هسته‌ای غیرنظامی گسترده‌ای را در اختیار دارد و کارشناسان بر این باورند که این کشور می‌تواند در مدت زمان کوتاهی یک سلاح هسته‌ای تولید کند. چنین قابلیتی ممکن است نیازهای سیاسی داخلی حاکمان ایران را باالطمینان دادن به تندروها برآورد کند که می‌توانند از تمام مزایای داشتن بمب (مانند امنیت بیشتر) بدون جنبه‌های منفی (مانند انزوا و محکومیت بین‌المللی) برخوردار شوند. مشکل این است که این قابلیت هم‌مکن است آنطور که در نظر گرفته شده کارایی نداشته باشد.

ایالات متحده و متحدان اروپایی‌اش در درجه اول، نگران تسلیحات هستنده، بنابراین ممکن است سناریویی را بپذیرند که در آن ایران دست از دستیابی به سلاح هسته‌ای بردارد. با این حال، اسرائیل به‌وضوح اعلام کرده که ظرفیت غنی‌سازی قابل توجه ایران را به تنهایی تهدیدی غیرقابل قبول می‌داند. پس این احتمال وجود دارد که یک تعهد قابل راستی‌ازمایی از جانب ایران برای توقف دستیابی به سلاح، قدرت‌های بزرگ غربی را راضی کند، اما حتی در این صورت هم اسرائیلی‌ها نارضاضی خواهند بود. اسرائیل از یک «سلاح هسته‌ای بالقوه» چندان مرعوب نمی‌شود، بنابراین احتمالاً به تلاش‌های مخاطرهم‌آمیز خود برای از بین بردن برنامه هسته‌ای ایران از طریق خرابکاری و ترور ادامه می‌دهد. این اقدام امکان دارد ایران را به این جمع‌بندی برساند که توانایی بازدارندگی (ش) ناگافی است و فقط ساخت سلاح هسته‌ای می‌تواند امنیت مورد نظر را برای این کشور فراهم کند.

سومین راهکار احتمالی خروج ازین‌بست این است که ایران به مسیر فعلی خود ادامه می‌دهد و با آزمایش یک سلاح، به‌طور علنی به سلاح هسته‌ای مجهز می‌شود. مقامات ایالات متحده و اسرائیل، چنین چیزی را غیرقابل قبول اعلام کرده و چنین راهکاری را ااینطور ازبایی کرده‌اند که ایران هسته‌ای، یک چشم‌انداز منحصر به‌فرد، وحشتناک و حتی یک تهدید وجودی را ترسیم خواهد کرد. این زبان قدرت‌های بزرگ است که از لحاظ تاریخی هر زمان که کشور دیگری شروع به تولید سلاح هسته‌ای کرده، عصبانی شده‌اند. با این حال تاالان هر بار که یک کشور باورود به باشگاه هسته‌ای توانسته‌اند خود را ادامه دهد، سایر اعضا همواره تغییر مسیر داده و تصمیم به همزیستی با آن گرفته‌اند. در واقع، دولت‌هایی که به تازگی هسته‌ای می‌شوند، با کاهش عدم تعادل در قدرت نظامی، عموماً ثبات منطقه‌ای و بین‌المللی بیشتری ایجاد می‌کنند.

انحصار هسته‌ای منطقه‌ای اسرائیل که در چهار دهه گذشته به‌طور قابل

د

انحصار هسته‌ای اسرائیل در منطقه که در چهار دهه گذشته به‌طور قابل توجهی دوام داشته، مدت‌ها به بی‌ثباتی در خاور میانه دامن زده، زیرا در هیچ منطقه دیگری از جهان یک کشور هسته‌ای وجود ندارد که اینطور تنها و کنترل نشده باشد

توجهی دوام داشته، مدت‌ها به بی‌ثباتی در خاور میانه دامن زده است. در هیچ منطقه دیگری از جهان یک کشور هسته‌ای وجود ندارد که اینطور تنها و کنترل نشده باشد. به همین دلیل، زرادخانه هسته‌ای اسرائیل و نه تمایل ایران برای در اختیار داشتن یک زرادخانه شبیه به آن بیشترین سهم را در ایجاد بحران کنونی داشته است. به هر حال، قدرت تمایل به تعادل دارد و نکته مهم درباره اسرائیل این است که مدت زمان زیادی برای شکل‌گیری یک متعادل‌کننده بالقوه در برابر تل‌آویو سپری شده است. البته به راحتی می‌توان درک کرد که چرا اسرائیل می‌خواهد تنها قدرت هسته‌ای در منطقه باقی بماند و چرامایل است از زور برای حفظ این موقعیت استفاده کند. اسرائیل در سال ۱۹۸۱، برای جلوگیری از به چالش کشیدن انحصار هسته‌ای خود، عراق را بمباران کرد. این کشور در سال ۲۰۰۷ باسوریه نیز همین کار را کرد و اکنون در حال بررسی اقدامات مشابه علیه ایران است. همان اقداماتی که به اسرائیل اجازه داده در کوتاه مدت قدرت هسته‌ای خود را حفظ کند، عدم تعادل را هم طولانی مدت کرده است که البته در بلندمدت ناپایدار خواهد بود. توانایی اثبات‌شده اسرائیل برای ضربه زدن به رقبای هسته‌ای بالقوه که مجازاتی را هم به دنبال نداشته، دشمنانش را مشتاق کرد تا ابزارهایی برای جلوگیری از تکرار حملات مجدد (حمله) اسرائیل در اختیار داشته باشد. به این ترتیب، تنش‌های کنونی به بهترین وجه نه به عنوان مراحل اولیه یک بحران نسبت‌آخر هسته‌ای ایران، بلکه به عنوان آخرین مراحل یک بحران هسته‌ای چندین دهه‌ای خاور میانه قلمداد می‌شود و فقط زمانی پایان می‌یابد که توازن قدرت نظامی برقرار شود.

■ ترس‌های بی‌اساس

یکی از عواملی که باعث شده تا در مورد خطر ایران هسته‌ای به شدت افراق شود، این است که بحث درباره این موضوع به دلیل نگرانی‌های ناپجا و سوءتفاهم‌های اساسی در مورد شیوه رفتار دولت‌ها در ساختار بین‌المللی تحریف می‌شود. اولین نگرانی بر جسته زیربنای بسیاری از نگرانی‌های دیگر این است که عده زیادی به این اعتقاد دارند، رژیم ایران ذاتاً غیرمنطقی است، اما سیاست ایران نه در اختیار «روحانیون دیوانه»، بلکه آی‌ت‌الله‌های کاملاً منطقی است که می‌خواهند مانند سایر رهبران (در قدرت) باقی بمانند اگرچه رهبران ایران در لفاظی‌های تحریک‌آمیز و نفرت‌انگیز افسراط می‌کنند، اما تمایلی به خودتخریبی ندارند. این اشتباهی بزرگ از جانب سیاست‌گذاران در ایالات متحده و اسرائیل است که تصور ی‌کدامن خلاف این داشته‌باشند، اما این دقیقاً همان کاری است که بسیاری از مقامات و تحلیلگران امریکایی و اسرائیلی انجام داده‌اند. غیرمنطقی‌نشان دادن ایران به آنها این امکان را داده است تا به این نتیجه برسند، منطق بازدارندگی هسته‌ای در مورد جمهوری اسلامی صدق نمی‌کند و هشدار می‌دهند که اگر ایران به سلاح هسته‌ای دست‌یابد، تردید نخواهد کرد که در اولین حمله، آن را علیه اسرائیل به کار گیرد، حتی اگر چنین اقدامی به قیمت انتقام‌جویی گسترده و خطر ناپویی همه چیزهایی تمام شود که برای ایران ارزش دارد.

اگرچه نمی‌توان از اهداف ایران مطمئن بود، اما به احتمال زیاد اگر ایران خواهان تسلیحات هسته‌ای باشد، هدف این کشور تأمین امنیت و نه بهبود قابلیت‌های تهاجمی خود (با نابود کردن) خود است. ایران ممکن است سر میز مذاکره ناسازگار

باشد و در برابر تحریم‌ها سرکشی کند، اما همچنان در راستای حفظ امنیت خود عمل خواهد کرد. به عنوان

مثال، رهبران ایران با وجود اخطارهای سرسختانه درباره اینکه ممکن است پس از اعلام تحریم نفتی اتحادیه اروپا در ژانویه این کار را انجام دهند، اما تلاشی برای بستن تنگه هرمز نکردند. ایران به‌وضوح به این نتیجه رسید که قصد ندارد اقدامی انجام دهد که مطمئناً واکنش سریع و ویرانگر امریکا به چنین اقدامی راه‌به‌دنیال دارد. حتی برخی از ناظران و سیاستگذارانی که می‌پذیرند رژیم ایران منطقی است، همچنان نگران هستند که سلاح هسته‌ای این کشور بر ج‌سور کند و سپهری را برای تهران فراهم کند تا بتواند تهاجمی‌تر عمل کرده و حمایتش از تروریسم را افزایش دهد. برخی از تحلیلگران حتی از این می‌ترسند که ایران مستقیماً تسلیحات هسته‌ای در اختیار تروریست‌ها قرار دهد. مشکل این نگرانی‌ها این است که با سابقه هر کشور دارای سلاح هسته‌ای دیگر که به سال ۱۹۴۵ برمی‌گردد، تناقض دارند. تاریخ

نشان می‌دهد که وقتی کشورها بمب (هسته‌ای) به دست می‌آورند، حس آسیب‌پذیری در آنها افزایش می‌یابد و به این موضوع واقف می‌شوند که سلاح‌های هسته‌ای شان آنها را به



اسرائیل از دکتربن ابهام اتمی خارج می‌شود!

مهم‌ترین تأثیر را در دکتربن هسته‌ای دارد. اندیشکده راهبردی بگین سادات در اکتبر ۲۰۲۴ در گزارشی به اهمیت دکتربن و استراتژی هسته‌ای رژیم صهیونیستی پرداخته و معتقد است که این اهمیت نه تنها در شیوه‌هایی است که می‌تواند نیروهای مسلح را بهیچ‌سازی کند، بلکه در شیوه‌ای است که می‌تواند هشدارها را به دولت دشمن ایران و بازیگران نیابتی آن

یعنی حماس و حزب‌الله ارسال کند. از منظر این گزارش تهدیدهای گروه‌های شبه نظامی در لبنان و سوریه بیشتر از تهدیدات حماس در غزه است و این تهدیدات بالقوه نیاز به مقابله با تهدید هسته‌ای محدود این رژیم به ویژه علیه ایران به عنوان سردسته‌ایسن بازیگران خرد دارد. بر این اساس بر این موضوع تأکید می‌کند که برای اسرائیل تغییر از ابهام هسته‌ای به افشا باید مقتدرانه، بدون تردید و سریع‌برخ‌باشد. چه اینکه برای اینکه سیاست‌های بازدارندگی و دفاعی تل‌آویو مؤثر واقع شوند، باید از بسوی ایران و گروه‌های مذکور قابل تشخیص باشند. در این گزارش به شرایط متحول جهانی در قالب جنگ سرد دوم بین ایالات متحده، روسیه، چین و کره شمالی که در جریان است، اشاره شده و به صراحت معتقد است که اگر به ایران اجازه هسته‌ای شدن داده شود، رابطه بازدارندگی بین رژیم صهیونیستی با ایران با توجه زمانی بین ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی وجود داشت، قابل مقایسه نخواهد بود. بر این اساس لازم است تا در چنین شرایطی، ابهام هسته‌ای تغییر

کند، چراکه می‌تواند باعث شود که یک ایران هسته‌ای ظرفیت تلافی‌جویانه هسته‌ای تل‌آویو را دست کم یا بیش از حد برآورد کند. نکته قابل توجه این است که در محافل مطالعاتی این نکته مطرح می‌شود که تل‌آویو سعی می‌کند برای جلوگیری از حمله دولت دشمن با انتقام‌جویی پس از پیش‌دستی علیه این رژیم، باید تلاش کند تا از حملات علیه خود به وسیله تهدید به تلافی غیر قابل قبول یا تلافی متقابل جلوگیری کند. این موضوع در واقع مبتنی بر مدل بازیگر خردمند است که به حفظ خود بیش از هر چیز دیگری علاقه‌مند است و همواره دست به انتخاب‌های منطقی می‌زند. این موضوع چه بازیگر مهاجم هسته‌ای باشد و چه نباشد، صدق می‌کند. مهم‌ترین نکته در اینجا این است که اعتبار تهدید بازدارنده هسته‌ای رژیم صهیونیستی به تغییر دکتربن ابهام هسته‌ای که عمداً در دستور کار این رژیم قرار گرفته منوط شده است، چراکه بدون این تغییر، بازیگر مهاجم ممکن است، درک نکند که این رژیم طیف وسیعی از پاسخ‌های تلافی‌جویانه هسته‌ای را در اختیار دارد؛ بنابراین بازدارندگی هسته‌ای می‌تواند به شدت کاهش یا تئزل یابد. بر این اساس می‌توان گفت تل‌آویو در شرایط کنونی می‌تواند با کاهش ابهام هسته‌ای خود، درصدد پیش‌گرم‌ن این مسئله باشد که اگر با تهدیدات وجودی با شرایط نزدیک به این تهدیدات روبه‌رو شود، می‌تواند از رویکرد هسته‌ای عبور کند.

د

دولت‌هایی که به تازگی هسته‌ای می‌شوند، با کاهش عدم توازن در قدرت نظامی، عموماً ثبات منطقه‌ای و بین‌المللی بیشتری ایجاد می‌کنند و در مورد ایران نیز زمانی که ایران از آستانه هسته‌ای عبور کند، بازدارندگی اعمال خواهد شد، بحران کنونی سرانجام از بین خواهد رفت و منطقه به خاورمیانه‌ای با ثبات‌تر از امروز تبدیل خواهد شد

یک هدف بالقوه در چشم قدرت‌های بزرگ تبدیل می‌کند. این آگاهی، دولت‌های هسته‌ای را از اقدام تهاجمی منصرف می‌کند. برای مثال، از میزان ستیزه‌جویی چین مأثونیست در سال ۱۹۶۶، پس از دستیابی به تسلیحات هسته‌ای کاسته شد؛ ضمن اینکه هند و پاکستان هر دو از زمان هسته‌ای شدن محتاط‌تر شده‌اند. بنابراین، دلیل چندانی وجود ندارد که باور کنیسم ایران این قالب را خواهد شکست. در مورد خطر انتقال این تسلیحات به تروریست‌ها، هیچ کشوری نمی‌تواند سلاح‌های هسته‌ای را بدون احتمال نلای کشف‌شدن انتقال دهد؛ ضمن اینکه در این زمینه، توانایی‌های نظارتی ایالات متحده، مانند توانایی ایالات متحده برای شناسایی منبع مواد شکافت‌پذیر، مانعی جدی خواهد بود. علاوه بر این، کشورها هرگز نمی‌توانند رفتار گروه‌های تروریستی مورد حمایت خود را به‌طور کامل کنترل یا حتی پیش‌بینی کنند. زمانی که کشوری مانند ایران به توانمندی هسته‌ای دست‌یابد، برای کنترل کامل بر زرادخانه خود هم دلیل خواهد داشت.

به هر حال ساخت بمب پر هزینه و خطرناک است و انتقال این سرمایه‌گذاری به طرف‌هایی که قابل اعتماد یا مدیریت‌نستند، منطقی نیست. یکی دیگر از نگرانی‌های رایج این است که در صورت دستیابی ایران به بمب، سایر کشورهای منطقه نیز از این روند پیروی کنند و این کار به یک مسابقه تسلیحات هسته‌ای در خاورمیانه منجر شود، اما از عصر هسته‌ای تقریباً ۷۰ سال می‌گذرد و اکنون، ترس از گسترش سلاح‌های هسته‌ای بی‌اساس بوده است. اصطلاح «تکثیر» که به درستی تعریف شده، به معنای گسترش سریع و کنترل نشده است و نه تنها چنین چیزی رخ نداده، بلکه در واقع از سال ۱۹۷۰، ظهور کشورهای هسته‌ای کاهش قابل توجهی داشته است. بر همین اساس، دلیلی وجود ندارد که انتظار داشته باشیم که در عصر کنونی، این الگو تغییر کند. اگر ایران به دومین قدرت هسته‌ای خاورمیانه از سال ۱۹۶۵ تا به امروز تبدیل شود، نشانه‌های چندانی درباره «آغاز یک فروپاشی» مشهود نخواهد بود. اسرائیل در دهه ۱۹۶۰ به بمب دست یافت آن هم در شرایطی که با بسیاری از همسایگان خود در حال جنگ بود و تسلیحات هسته‌ای اسرائیل تهدیدی بسیار بزرگ‌تر از برنامه امروز ایران برای جهان عرب محسوب می‌شد. اسرائیل اتمی در آن زمان مسابقه تسلیحاتی به راه نینداخت، بنابراین هیچ دلیلی وجود ندارد که یک ایران هسته‌ای در حال حاضر این کار را انجام دهد.

■ مطمئن باشید

در سال ۱۹۹۱، هند و پاکستان به عنوان رقبای تاریخی پیمانی امضا کردند که براساس آن، تأسیسات هسته‌ای یکدیگر را هدف قرار ندهند. آنها به این جمع‌بندی رسیدند که بسیار نگران‌کننده‌تر از بازدارندگی هسته‌ای دشمن، بی‌ثباتی ناشی از چالش‌های آن است. از آن زمان، حتی در مواجهه با تنش‌های شدید و تحریکات مخاطر‌آمیز، دو کشور وضعیت توأم با صلح را حفظ کرده‌اند. اسرائیل و ایران بهتر است این سابقه تاریخی را در نظر بگیرند و اگر ایران هسته‌ای شود، اسرائیل و ایران در برابر همدیگر نقش بازدارنده را ایفا کنند؛ همانطور که قدرت‌های هسته‌ای همیشه این کار را کرده‌اند. هرگز یک جنگ تمام عیار بین دو کشور مجهز به سلاح هسته‌ای رخ نداده است. زمانی که ایران از آستانه هسته‌ای عبور کند، بازدارندگی اعمال خواهد شد، حتی اگر زرادخانه ایران نسبتاً کوچک باشد؛ ضمن اینکه هیچ کشور دیگری در منطقه انگیزه‌ای برای دستیابی به توان هسته‌ای نخواهد داشت و بحران کنونی سرانجام از بین خواهد رفت و منطقه به خاورمیانه‌ای با ثبات‌تر از امروز تبدیل خواهد شد. به همین دلیل، ایالات متحده و متحدانش برای جلوگیری از دستیابی ایرانیان به سلاح هسته‌ای نیاز به چنین در‌سری ندارند. دیپلماسی بین ایران و قدرت‌های بزرگ باید ادامه یابد، زیرا خطوط باز از تباطی باعث می‌شود که کشورهای غربی احساس بهتری برای تعامل با ایران داشته باشند. از طرفی، تحریم‌های کنونی علیه ایران را می‌توان لغو کرد. این تحریم‌ها در درجه اول به شهروندان ایرانی آسیب می‌رساند و هدف چندانی را تعقیب نمی‌کنند. مهم‌تر از همه، سیاست‌گذاران و مردم جهان عرب، اروپا، اسرائیل و ایالات متحده باید از این واقعیت آسوده خاطر باشند که تاریخ نشان داده، در جایی که توانمندی‌های هسته‌ای ظهور می‌کند، ثبات نیز وجود دارد. وقتی صحبت از سلاح‌های هسته‌ای به میان می‌آید، در دوران کنونی مثل همیشه، هر چه سلاح بیشتر باشد، احتمالاً وضعیت بهتر خواهد بود.